

## بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی

عبدالرسول کشفی<sup>۱</sup>

محمد بنیانی<sup>۲</sup>

### چکیده:

ملاصدرا در آثار خویش اصالت وجود، و، به تبع، اعتباریت ماهیت، را در دو معنا به کار می‌برد: ۱. مفهوم وجود در عالم خارج از ذهن دارای مصداق است، اما ماهیت مصداق خارجی و بیرونی ندارد. ۲. هر دو دارای مصداق خارجی‌اند با این تفاوت که وجود تحقق بالذات، و ماهیت به عرض و به واسطه وجود تحقق خارجی دارد. بنابر معنای اول، عالم خارج صرفاً عالم وجود است و بر اساس معنای دوم، عالم خارج عالم وجود و ماهیت، هر دو، است. نظریه‌های مبتنی بر اصالت وجود برخی مبتنی بر معنای اول از اصالت وجود و بعضی مبتنی بر معنای دوم است. از آنجا که این دو معنا با یکدیگر ناسازگارند (زیرا یکی تحقق خارجی ماهیت را نفی و دیگری اثبات می‌کند)، نظام صدرایی دستخوش نوعی ناسازگاری درونی است. برای رفع این ناسازگاری لازم است یکی از دو معنا و نظریه‌های مبتنی بر آن از نظام صدرایی حذف گردد. مقاله حاضر می‌کوشد این ناسازگاری را در سخنان، ادله و لوازم معرفتی نظام اصالت وجود صدرایی نشان دهد.

### کلمات کلیدی:

ملاصدرا، حکمت متعالیه، اصالت وجود، اعتباریت ماهیت.

Email: akashfi@ut.ac.ir

Email: m.bonyani@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۰۳/۰۷

<sup>۱</sup> دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۵

## ۱. مقدمه

مهم‌ترین اصل در حکمت متعالیه «اصالت وجود» است که مبنای بسیاری از مسائل این نظام فلسفی است. در حوزه تصدیقی تا کنون بحث‌های زیادی درباره اصالت وجود انجام شده است. اما در حوزه تصویری و تحلیل مفهومی تحقیق چندانی صورت نگرفته است. با توجه به ضرورت تقدم مباحث تصویری بر مباحث تصدیقی و تأثیر تصور و برداشت مفهومی ملاصدرا از اصالت وجود بر دیگر اضلاع معرفتی حکمت متعالیه، لازم است مراد دقیق ملاصدرا از این مفهوم روشن شود. مقاله حاضر به بررسی معانی مختلف اصالت وجود و اعتباریت ماهیت از منظر ملاصدرا می‌پردازد و دلایل ملاصدرا بر هر یک از دو معنا و نظریه‌های مبتنی بر هر یک از معانی و نحوه‌ی ابتدای آنها را بر آن معنا نشان می‌دهد و در پایان به بررسی ارتباط این دو معنا با یکدیگر می‌پردازد.

## ۲. معنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نگاه ملاصدرا

ملاصدرا دو تصور از اصالت وجود دارد:

۲-۱- معنای اول: اصالت در اصالت وجود به معنای داشتن مصداق در عالم خارج از ذهن و اعتباریت در اعتباریت ماهیت به تبع معنای اصیل یعنی نداشتن مصداق در عالم خارج از ذهن؛ (صدر الدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۹، ۸۹) بر این اساس تنها مصداق مفهوم وجود، یعنی حقیقت وجود، عالم خارج از ذهن را پر کرده و ماهیت تنها در ذهن محقق است. با توجه به معنای بالا می‌توان چنین محل نزاع را بیان کرد: در جریان شناخت واقعیت عالم خارج از ذهن، دو مفهوم وجود و ماهیت در ذهن حاصل می‌گردد به نحوی که می‌توان آنها را در قالب گزاره‌هایی چنین بیان کرد: انسان هست؛ جسم هست؛ درخت هست. مفهوم وجود جنبه وحدت واقعیات در عالم خارج، و مفاهیم ماهوی بیانگر کثرت و گوناگونی واقعیات در عالم خارج از ذهن است. در اینجا این سوال مطرح می‌گردد که کدام مفهوم دارای مصداق خارجی است و پاسخ ملاصدرا به این سوال وجود است. پس مفهوم وجود اصیل است؛ زیرا مصداق خارجی دارد. بنابراین، عالم خارج، عالم وجود بوده و به گونه‌ای وحدت بر آن حاکم است. البته اگر اصالت را به معنای منشأ اثر بودن در عالم خارج معنا کنیم باید دانست که مفهوم وجود اعتباری بوده و حقیقت وجود دارای منشأ آثار خارجی است. (همو، ۱۳۶۳ الف، ص ۹) باید توجه داشت که اصالت به معنای عینیت و تحقق خارجی داشتن و منشأ اثر بودن در عالم خارج از ذهن با معنای دیگر اصالت یعنی مصداق خارجی داشتن دو روی یک سکه‌اند؛ زیرا اگر اصالت به معنای مصداق داشتن باشد و وصف مفهوم وجود قرار گیرد

لازمه‌اش این است که حقیقت وجود منشأ تأثیر در عالم خارج از ذهن باشد و از طرف دیگر اصیل بودن به معنای منشأ تأثیر خارجی وجود لازم‌ه‌اش آن است که مفهوم وجود مصداق خارجی داشته باشد، نه مفهوم ماهیت.

## ۲-۱-۱. سخنان و جملات ملاصدرا در تأیید معنای اول

وجود حقیقت اصیل و واقعی در عالم خارج است و ماهیت به مانند اعیان ثابت (در اندیشه عرفا) بوی وجود خارجی را احساس نکرده است. (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۹)

«موجود حقیقی ... وجود است نه غیر وجود... و آنچه ماهیت نامیده می شود بهرهای از وجود ندارد ... ماهیت به حسب ذات خود حقیقتی ندارد، بلکه ماهیات اعتبارات و مفاهیمی هستند که ذهن آنها را از موجودات به حسب مراتب کمال و نقص آنها انتزاع می کند» (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۳۴)

« ... همانا ماهیت عکس و خیال وجود است، عکسی که از وجود در عقل و حس ظاهر می شود » (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۹۸)

ملاصدرا در باب چگونگی اتحاد میان وجود و ماهیت بیان می کند، که محال است دو امر متحد با هم حقیقتاً موجود باشند و گرنه اتحاد محقق نخواهد گردید، بلکه وجود واحدی است که به هر دو امر متحد، منسوب است. بنابراین، یا هر دو شی یا حداقل یکی از آن دو امری انتزاعی خواهد بود. پس در اتحاد وجود و ماهیت یا وجود امر انتزاعی و اعتباری است یا ماهیت و سپس نظر خود را چنین بیان می کند که: ... ماهیات امور انتزاعی و اعتباری اند و وجود حقیقی امری عینی و خارجی است. (همان، ج ۱، ص ۶۷-۶۸)

## ۲-۱-۲. دلایل ملاصدرا در تأیید معنای اول

۲-۱-۲-۱. **دلیل اول:** «معلول واجب است که با علت مناسبت (سنخیت) داشته باشد. در جای خود ثابت شده که واجب الوجود عین وجود است و وجود نفس ذات او را تشکیل می دهد. بنابراین، آنچه از او افزوده می شود وجود اشیا است، نه ماهیات کلی آنها. زیرا سنخیتی و مشابهتی میان وجود حق تعالی و ماهیت ممکنات نیست.» (همان، ج ۱، ص ۴۱۸)

تکیه این دلیل بر سنخیت علت و معلول است. اگر فرض کنیم ماهیت در خارج اصیل باشد پس باید بپذیریم که سرشت ممکنات را ماهیت تشکیل داده است و وجود مفهوم عام انتزاعی از آنها است. پس چگونه میان واجب به عنوان وجود صرف و ممکنات به عنوان ماهیت‌های مختلف رابطه علیت برقرار است؟ بنابراین، ممکنات، موجودات و وجودات محدودند که در اثر افزوده علت خود که

وجود صرف می‌باشد، تحقق یافته‌اند و رابطه‌ی علی و معلولی آنها از حیث وجودی قابل تصور است نه ماهوی.

**۲-۲-۱-۲. دلیل دوم:** اگر وجود اعتباری و ماهیت اصیل باشد لازم می‌آید که بی‌نهایت ماهیات نوعی که از یکدیگر متمایزند به نحو بالفعل در حرکت اشتدادی محدود - که محصور به دو طرف ابتدا و انتها است - رخ دهد (که این امری محال است) و از آن لازم آید که حرکت اشتدادی مجموعه‌ای از اجزای لایتجزاء گردد و این امر باطل است. (همان، ج ۳، ص ۸۳، همو، ۱۳۷۸، ص ۶۹، همو، ۱۳۶۳ الف، ص ۱۸-۱۷)

در حرکت اشتدادی ماهیت از حدود حرکت انتزاع می‌شود. چون فرض بر اشتدادی و مراتب شی متحرک است پس از هر مرتبه حرکت باید ماهیت خاصی را انتزاع نمود. زیرا هر مرتبه دارای یک ماهیت است و ماهیت نمی‌تواند مابه‌الاشتراک مراتب مختلف حرکت باشد چون تشکیک در ماهیت راه ندارد. مثلاً در حرکت اشتدادی یک شی مانند یک سیب در رنگ خاص خود لازم می‌آید در هر مرتبه شدید و ضعیف آن، ماهیت خاصی را انتزاع نمود. به هر روی اگر ماهیت اصیل باشد لازم می‌آید بی‌نهایت ماهیت پشت سر هم رخ دهد. زیرا برای حرکت می‌توان حدود بی‌نهایت فرض نمود چون حرکت و هر جزء کوچک آن امری ممتد است و تا بی‌نهایت نیز تقسیم می‌پذیرد. همچنین لازم می‌آید حرکت که یک امر ممتد است از اجزای لایتجزای بی‌امداد تشکیل شود در حالی که اجزای لایتجزا امتداد ندارند و هر اندازه هم در کنار هم قرار گیرند نمی‌توانند سبب تحقق حرکت که یک شی ممتد است گردند.

**۲-۲-۱-۲. دلیل سوم:** چگونه وجود اعتباری باشد حال آنکه وجود مجعول بالذات است. (همو، ۱۳۶۰، ص ۶)

از مباحث بسیار مهم و تعیین کننده در چگونگی تصور ما از «اصالت وجود» مبحث جعل است. این بحث جعل و اصالت وجود دو مبحث جداگانه با دلایل مستقل اما مرتبط به یکدیگر هستند. اگر ما جعل وجود را بپذیریم باید قبول کنیم در اثر تعلق جعل به وجود پس اصالت با وجود است و از طرف دیگر با قبول اصالت وجود چاره‌ای نداریم جز اینکه بپذیریم جعل به وجود تعلق گرفته است. ملاصدرا در جای خود از جعل و مباحث مرتبط با آن صحبت کرده است و نشان داده که وجود مجعول است نه ماهیت یا موجود شدن ماهیت (صیروت). (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۱۴)

از تعبیر «بالذات» در جعل بالذات ممکن است این معنا به ذهن متبادر گردد که ماهیت هم در عالم خارج مجعول است. لکن به نحو «بالعرض» و به واسطه وجود. اما با توجه به جمله‌های ایشان در آثار دیگر درباره بحث جعل، به نظر می‌آید عالم خارج از ذهن را عالم وجود می‌داند و ماهیت را امر

منتزع از آن در ذهن به حساب می‌آورند. ایشان در این باره به طور صریح می‌گوید: «نزد ما با بیانات برهانی روشن گشته که ماهیت مجعول بالذات نیست و جاعل و اثر جاعل ممکن نیست که امری از ماهیات باشند. شکی نیست عالم، عالم علت و معلول است بنابراین وقتی که علت و معلول ماهیت نباشند پس وجود، هم علت است و هم معلول و امر سومی (ماهیت) در عالم امکان نیست» (همو، ۱۳۸۷، ص ۱۹۷)

### ۳-۱-۲. مسائل و نظریه‌های مبتنی بر معنای اول

نظریه‌های ذیل بر معنای اول اصالت وجود مبتنی هستند:

۳-۱-۲-۱. **وجود رابط معلول:** ملاصدرا در بحث وجود رابط بیان می‌کند با توجه به رابط و فی غیره بودن معلول نسبت به علت و اینکه تمام عالم نسبت به واجب الوجود، وجود رابط است ماهیت به طور کلی از عالم خارج رخت بر می‌بندد. وجود رابط در برابر وجود مستقل قرار می‌گیرد. وجود رابط فاقد جنبه فی نفسه بوده و فقط لغیره است. پس وجود رابط چیزی نیست جز همان خود ربط و وابستگی؛ اگر حقیقت وجود رابط بما هی لحاظ شود فقط به صورت مفهومی حرفی در ذهن منعکس می‌شود چون وجود فی نفسه ندارد. بنابراین هیچ مفهوم ماهوی و مستقل از آنها قابل استنتاج نیست. در این نگاه همه موجودات عالم هستی، وجود رابط‌اند و تنها وجود واجب تعالی وجود مستقل است. (رک: همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۷۹، ۸۲، ۱۴۳)

۳-۱-۲-۲. **اتصاف ماهیت به وجود:** با توجه به قاعده فرعیه در باب اتصاف ماهیت به وجود، چگونه ماهیت در موضوع قرار می‌گیرد و وجود به عنوان محمول بر آن حمل می‌گردد در حالی که ثبوت محمول، یعنی وجود، متوقف بر ثبوت موضوع، یعنی ماهیت است؟ و این امر با اشکالات جدی روبرو می‌شود. برای حل این مشکل نظریات گوناگونی بیان شده است. (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۱-۱۳؛ همو، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳) ملاصدرا بیان می‌کند این مشکل بنا بر مبانی فیلسوفان قبلی مطرح بوده است در حالی که بنا بر دیدگاه حکمت متعالیه این مشکل مطرح نمی‌شود. زیرا اتصاف ماهیت به وجود و عروض وجود بر ماهیت در عالم خارج از ذهن تحقق ندارد. در عالم اعیان تنها حقیقت وجود تحقق دارد. بنابراین، در عالم خارج از ذهن، عروض و اتصافی صورت نمی‌پذیرد. بر اساس نگاه ملاصدرا، ذهن پس از انتزاع مفاهیم ماهوی از موجودات ممکن باید وجود را اصل قرار دهد و بعد ماهیت را بر آن حمل کند. یعنی «این وجود انسان است» بر این اساس دیگر مشکل رخ نمی‌دهد. زیرا تا موضوع، یعنی حقیقت وجود نباشد ماهیت بر آن قابل صدق نیست؛ در این نگاه ماهیت تنها

در ذهن بوده و به عنوان تصویر ذهنی بر وجود صدق می‌کند. به هر روی در عالم خارج از ذهن دوئیتی نیست و دوئیت تنها در ذهن رخ می‌دهد. (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۱؛ همو، بیتا، ص ۱۶۰)

**۲-۱-۳-۳. خداشناسی:** مبحث خداشناسی حکمت متعالیه در تعیین نگرش ما به اصالت وجود بسیار تعیین کننده است. بنای مباحث خداشناسی بر نفی ماهیت از واجب تعالی است. به لحاظ شدت وجودی حق تعالی و کامل بودن او از هر جهت، جایی برای محدودیت وجودی و انتزاع ماهیت از او نمی‌ماند پس بر اساس این مبحث، ماهیت در عالم خارج از ذهن تحقق ندارد. استفاده صدرالمآلهین از اصالت وجود در اثبات بساطت ذات و نفی ترکیب از ذات حق تعالی و همچنین در توحید ذات و در مباحث علم حق تعالی غیر قابل انکار است. (رک: همو، ۱۳۶۰، ص ۷۵-۷۶؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۲۳-۲۴، ۴۸، ۱۰۱)

**۲-۱-۳-۴. تشکیک در وجود:** پس از قبول اشتراک معنوی مفهوم وجود و اصالت وجود به این معنا که آنچه عالم خارج از ذهن را پر کرده وجود است نه غیر آن، این سوال پیش می‌آید که اگر عالم خارج فقط از وجود تشکیل شده باشد پس چگونه اختلاف آثار در عالم خارج توجیه می‌گردد؟ آیا کثرت در عالم خارج از ذهن قابل انکار است؟ آیا فقط یک واقعیت و موجود در عالم خارج از ذهن تحقق دارد؟ در اینجا ملاصدرا تشکیک در وجود را مطرح می‌کند. بر این اساس، اشتراک واقعیات و حقایق خارجی در وجود است و از طرف دیگر تفاوت و امتیاز آنها نیز به همان وجود بر می‌گردد یعنی عامل اشتراک و امتیاز یکی است. پس جنبه وحدت یعنی وجود در عالم خارج از ذهن تحقق دارد و جنبه کثرت یعنی مراتب و تشکیک آن نیز در خارج از ذهن واقعیت دارد و کثرت و وحدت هر دو به وجود بر می‌گردد. وجود در عین وحدت دارای کثرت و در عین کثرت دارای وحدت است. (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۳۱)

**۲-۱-۳-۵. علم:** علم امری سلبی مانند تجرد از ماده نیست، بلکه امری وجودی است نه وجودی بالقوه، بلکه وجودی بالفعل و این وجود بالفعل صرف فعلیت است و قوه در آن راه ندارد. (همان، ج ۳، ص ۲۹۷) ملاصدرا در جای دیگری بیان می‌کند که: «آنچه (در باب علم) مورد قبول ما است عبارت است از اینکه علم وجود مجرد از ماده وضعیه است.» (همان، ج ۳، ص ۲۹۲) هنگامی که نگاه به علم بر خلاف فیلسوفان پیشین، نگاهی وجودی می‌گردد سبب می‌شود تا علم از دایره تفسیر ماهوی و دستگاه مقولات ارسطویی خارج گردد. زیرا مقسم مقولات ماهیت است و با وجودی انگاشتن علم دیگر نمی‌توان علم را جوهر یا عرض دانست. بر این اساس شباهت مربوط به مسائل وجود ذهنی که در آن لازم می‌آمد که جوهر و عرض یکی گردند یا تداخل مقولات پیش آید از

اساس منتفی می‌گردد. با چرخش دیدگاه ملاصدرا از نگاه ماهوی به دیدگاه وجودی، علم همسنخ وجود می‌گردد؛ از آنجا که عالم وجود دارای سه طبقه و مرحله یعنی عالم طبیعت، عالم مثال و عالم عقل است مراتب معرفت و علم نیز دارای سه مرحله حس، خیال و عقل می‌گردد. (همان، ج ۳، ص ۳۶۲)

**۲-۲. معنای دوم:** اصالت به معنای تحقق بالذات در عالم خارج از ذهن و اعتباری به معنای تحقق بالتبع یا بالعرض در عالم خارج از ذهن؛ بر این اساس افزون بر تحقق بالذات وجود در عالم خارج از ذهن، ماهیت نیز بالتبع یا بالعرض به واسطه وجود تحقق یافته است. در این نگاه عالم خارج آمیخته‌ای از وجود و ماهیت است یعنی هر دو منشأ تأثیراند، اما در طول هم نه در عرض یکدیگر. یا به تعبیر دیگر وجود و ماهیت، متقدم و متأخرند. جهت تقریر محل نزاع در این دیدگاه باید چنین گفت: از واقعیت عالم خارج از ذهن دو مفهوم وجود و ماهیت انتزاع می‌گردند (تحقق وجود و ماهیت در عالم خارج از ذهن مفروض گرفته می‌شود) بر این اساس باید دید مصداق کدام مفهوم در عالم خارج از ذهن به صورت مستقل تحقق دارد و کدامیک به صورت وابسته. در اینجا فرض ملاصدرا این است که واقعیات خارجی واحداند به این معنا که وجود و ماهیت جدای از یکدیگر نیستند و به همین دلیل ملاصدرا اصالت وجود و ماهیت - اصالت هر دو - را مردود می‌شمارد. پس ماهیت در خارج عین وجود است و وجود و ماهیت در خارج به وجود واحد محقق‌اند. واقعیت واحد خارجی هم مصداق وجود است و هم مصداق ماهیت و ذهن با تحلیل شی واحد خارجی، به وجود و ماهیت متمایز و زائد بر هم در ظرف ذهن دست می‌یابد. (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۷۵؛ همو، ۱۳۶۰، ص ۷۱، ۱۶۱)

### ۲-۲-۱. سخنان و عبارات ملاصدرا در تأیید معنای دوم

«در دیدگاه ما وجود ممکن به نحو بالذات تحقق دارد و ماهیت به نحو بالعرض به عین همین وجود تحقق یافته است در باب موجودیت صفات خداوند و ذات ایشان نیز امر به همین منوال است.» (همو، المشاعر، صص ۵۴-۵۵). چنان‌که از عبارات بالا آشکار است وجود و ماهیت هر دو در خارج از ذهن محقق‌اند، اما یکی به نحو بالذات و دیگری به نحو بالعرض، و رابطه وجود و ماهیت مانند رابطه ذات و صفات حق تعالی است. البته در جای دیگری به عکس عمل می‌کند و رابطه میان ذات و صفات حق تعالی را به رابطه میان وجود و ماهیت تشبیه می‌کند. (همان، ص ۳۸؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۲۹۶) «... مرتبه وجود در عالم خارج متقدم بر مرتبه ماهیت است اگر چه به لحاظ ذهنی وجود متأخر از ماهیت است» (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۷۵) آشکار است که تحقق وجود و ماهیت هر

دو در خارج از ذهن پذیرفته گردیده، اما در خارج از ذهن وجود متقدم بر ماهیت و در ذهن متأخر از آن است. «معنای تحقق بنفسه وجود این است که وجود در مقام تحقق - چه تحقق بالذات مانند واجب تعالی و چه به واسطه فاعل - در تحقق خود به وجود دیگری نیاز ندارد، برخلاف غیر وجود (ماهیت). زیرا غیر وجود بعد از تأثیر فاعل در وجود آن و اتصافش به وجود تحقق می‌یابد.» (همان، ج ۱، صص ۴۰-۴۱) در این عبارت بیان گردیده که غیر وجود (ماهیت) می‌تواند در عالم خارج از ذهن تحقق یابد، اما به واسطه وجود. «هنگامی که از واجب الوجود موجودی صادر شود ... دو امر قابل درک‌اند: اول امر صادر شده از واجب الوجود که وجود نامیده می‌شود و دوم آنچه ماهیت نامیده می‌شود و لازمه آن وجود است پس از حیث تحقق ماهیت تابع آن وجود است.» (همان، ج ۱، صص ۵۵-۵۶) «موجود حقیقی وجود است و ماهیت به گونه‌ای از اتحاد با آن متحد است و در اینکه تمایز میان وجود و ماهیت در ظرف ذهن است نه بر اساس عالم خارج، اختلافی وجود ندارد.» (همان، ج ۱، ص ۶۷) «کلی طبیعی (ماهیت) نزد ما تنها به نحو بالعرض تحقق دارد.» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۶۱)

« آنچه در عالم خارج تحقق دارد، وجود معلول است و ماهیت فقط به نحو بالعرض تحقق دارد» (همان، ص ۷۱) « بنابراین وجود فی نفسه به نحو بالذات تحقق دارد و ماهیت به واسطه وجود به گونه بالعرض تحقق یافته است.» (همان، ص ۸) ملاصدرا در باب تحقق کلی طبیعی که مبتنی بر تحقق ماهیت در عالم خارج از ذهن است می‌گوید: « ... کلی طبیعی در دیدگاه متکلمان (در عالم خارج) به طور کامل تحقق ندارد. اما نزد ما تنها تحقق بالذات ندارد.» (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۴۷) «حقیقت آن است که کلی طبیعی در عالم خارج تحقق دارد.» (همان، ج ۶، ص ۱۹)

## ۲-۲-۲. دلایل ملاصدرا در تأیید معنای دوم

ملاصدرا در تأیید معنای دوم اصالت وجود، دلایل زیر را ارائه می‌کند:

۲-۲-۲-۱. **دلیل اول:** اگر وجود موجود نباشد (در عالم خارج از ذهن اصیل و محقق نباشد) هیچ شیئی از اشیا (ماهیات) محقق نمی‌شد در حالی که ماهیات محقق شده‌اند پس وجود اصیل است. بیان ملازمه آن است که ماهیات با قطع نظر از وجود معدوم‌اند و با قطع نظر از وجود و عدم، نه موجود است و نه معدوم. به هر روی ماهیت فی حد ذاتها محقق نیست. حال اگر وجود نیز بذاته موجود و محقق نباشد با توجه به اینکه ماهیت هم فی حد ذاته موجود و محقق نبود، پس چگونه از دو امر غیر محقق، ماهیات خارج از ذهن موجود شده‌اند؟ (همو، ۱۳۶۳ الف، ص ۱۳؛ همو، ۱۳۷۵، ص ۱۸۸)



۲-۲-۲-۲. **دلیل دوم:** اگر ماهیت اصیل و وجود اعتباری باشد تفاوت وجود خارجی و وجود ذهنی از میان می‌رود در حالی که این دو تفاوت دارند. بر اساس نظریه وجود ذهنی، ماهیات با حفظ ذات و آثار خود در ذهن و در عالم خارج از ذهن محقق می‌گردند. بنابراین، اگر اصالت را به ماهیت منتسب کنیم باید آثار هر دو شی - عالم ذهن و خارج - یکی باشد در حالی که می‌بینیم این گونه نیست مانند آتش خارجی که می‌سوزاند، ولی آتش ذهنی آن خاصیت را ندارد. (همو، ۱۳۶۳ الف، ص ۱۲)

این دلیل بنا بر این فرض اقامه شده که ماهیت در عالم خارج از ذهن تحقق دارد و اگر ماهیت اصیل فرض گردد پس دیگر تفاوتی میان وجود ذهنی و خارجی نیست.

۲-۲-۲-۳. **دلیل سوم:** اگر برای وجود تحقق در اعیان و عالم خارج از ذهن نباشد (وجود اصیل نباشد) انواع، جزئی حقیقی (فرد) نخواهند داشت. زیرا ذات ماهیت ابا ندارد از اینکه بین افراد کثیر مشترک باشد و در ذهن، کلیت بر آن عارض گردد. ماهیت ذهنی که کلی است اگر هزاران بار به واسطه مفهوم‌های کثیر و قیده‌های کلی دیگر تخصیص بخورد باز قابل صدق بر کثیرین است. بنابراین، افراد ماهیت نوعی که در خارج موجوداند علاوه بر طبیعت نوعی‌ای که میان آنها مشترک است به امر دیگری که ذاتش عین تشخیص و فردیت باشد نیاز دارند و آن چیزی جز وجود نیست. بنابراین، از آنجا که ماهیت‌های نوعی دارای افراد شخصی خارجی‌اند پی می‌بریم که وجود که عین تشخیص است سبب فردیت و تحقق فرد جزئی ماهیت گردیده است. (همان، ص ۱۴-۱۵) بر اساس دلیل بالا از اینکه ماهیات نوعی در خارج از ذهن دارای فرد جزئی‌اند پی می‌بریم وجود اصیل است، یعنی پس از قبول ماباها برای ماهیت در عالم خارج از ذهن به دنبال توجیه جزئیت و تشخیص آن می‌گردیم.

### ۲-۲-۳. مسائل و نظریه‌های مبتنی بر معنای دوم

نظریه‌های ذیل بر معنای دوم اصالت وجود مبتنی هستند:

۲-۲-۳-۱. **کلی طبیعی:** فیلسوفانی که کلی طبیعی را در خارج از ذهن، محقق می‌دانند به گونه‌ای تحقق و ثبوت ماهیت در خارج از ذهن را نیز می‌پذیرند. ملاصدرا در این باب می‌گوید: «... کلی طبیعی در دیدگاه متکلمان (در عالم خارج) به طور کامل تحقق ندارد. اما نزد ما تنها تحقق بالذات ندارد.» (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۴۷) «حقیقت آن است که کلی طبیعی در عالم خارج تحقق دارد» (همان، ج ۶، ص ۱۹)

۲-۲-۳-۲. **معقولات اولیه و ثانیه:** ملاصدرا مفاهیم و معقولات را به اولی و ثانوی تقسیم می‌کند، مفاهیم اولی مسبوق به مفاهیم دیگری نیستند و البته توسط حواس به ذهن راه پیدا می‌کنند، ولی مفاهیم و معقولات ثانی در مرحله بعد حاصل می‌شوند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول که حاکی آنها در ذهن و محکی آنها خارجی است معقولات ثانی فلسفی و دسته دوم را که حاکی و محکی آنها هر دو ذهنی است معقولات ثانی منطقی نام دارند. در این باب ملاصدرا نظرات پیشینیان را طرح و سپس بررسی می‌نماید. با توجه به اینکه معقولات اولی مبتنی بر ماهیات می‌گردد، پس تحقق ماهیت در عالم خارج از ذهن پذیرفته می‌گردد. (همو، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰، ۳۳۲-۳۳۶)

۲-۲-۳-۳. **حرکت جوهری:** از مهم‌ترین اضلاع معرفتی حکمت متعالیه حرکت جوهری است که بسیاری از مسائل دیگر بر آن مبتنی می‌گردد. عنوان و نام «حرکت جوهری» به ذهن متبادر می‌کند که در عالم خارج از ذهن جوهری تحقق دارد که دارای حرکت و سیلان است. به تعبیر دیگر ماهیت جوهری در خارج محقق است، اما به تبع وجود. بنابراین، با توجه به حرکت در ذات و حاق وجود، به سبب اتحاد آن با ماهیت در خارج از ذهن می‌توان نام آن را حرکت جوهری نهاد. در این نگاه چارچوب بحث ماهیت به مانند فلاسفه قبلی حفظ می‌گردد. اما ماهیت تحقق بالعرض داشته و به تبع وجود بالذات، در عالم خارج واقعیت می‌یابد. بر این اساس صدر المتألهین می‌گوید: «ثم اعلم ان وجود الجوهر جوهر بعین جوهریه ذلک الجوهر و وجود العرض عرض کذلک.» (همو، ۱۳۶۰، ص ۸)

در براهین حرکت جوهری تحقق ماهیت در خارج از ذهن وضوح بیشتری دارد آنجا که ملاصدرا می‌گوید: وجود عرض، وجود لغیره برای جوهر می‌باشد. پس وجود عرض، تابع و وجود جوهر، متبوع است. بنابراین، چون وجود عرض، یعنی وجود تابع، متغیر است، پس وجود جوهر، یعنی وجود متبوع، نیز متغیر است. (همو، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۱۰۴) همچنین ملاصدرا در برهان دیگری بر حرکت جوهری گوید: ۱. حرکت در اعراض رخ می‌دهد. ۲. علت اعراض متغیر، طبیعت و صورت نوعیه است. ۳. «علة المتغیر متغیر» علت امر متغیر خود، متغیر است. بنابراین، حرکت در جوهر و ذات شی (صورت نوعیه) رخ می‌دهد. (همان، ج ۳، ص ۶۱-۶۲)

۲-۲-۳-۴. **تخصّص یافتن وجود:** تخصّص یعنی تعیین یافتن، خصوصیت یافتن و محقق شدن. چنان‌که بر اساس دیدگاه ملاصدرا و فیلسوفان خلف، وجود به سه شیوه تخصّص می‌یابد: **شیوه اول:** حقیقت هستی به نفس ذات خود در برابر عدم تعیین و تحقق دارد. زیرا غیر هستی

بطلان و نیستی محض است. بنابراین، حقیقت هستی به خود تکیه دارد.

**شیوه دوم:** تعیین و تخصص وجود به مراتب و درجات وجود است؛ به دیگر سخن: تعیین هر مرتبه به وجود همان مرتبه است. پس وجود در مراتب مختلف از شدت و ضعف و تقدم و تأخر و ... تعیین و تخصص می‌یابد.

**شیوه سوم:** تعیین و تخصص وجود به ماهیات است؛ ماهیاتی که در عالم خارج از ذهن محقق‌اند. در این نگاه به تصریح ملاصدرا وجود و ماهیت در عالم خارج از ذهن عینیت دارند و در اینجا کثرت از ماهیات به وجودات سرایت می‌کند، مانند وجود انسان، وجود سنگ و وجود درخت. و این ماهیات که خود دارای کثرت‌اند و متفاوت با هم‌اند زمینه اختلاف در وجود را نیز مهیا می‌کنند. (همان، ج ۱، ص ۴۴-۴۶) موارد دیگری نیز می‌توان نام برد، اما ما به جهت اختصار از آن چشم‌پوشی می‌کنیم و موارد بالا را در تأیید مقصود خود کافی می‌دانیم.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد ملاصدرا در فلسفه خود به گزینش معنای نهایی از میان دو معنای مورد نظر نپرداخته است. زیرا چنان‌که دیدیم ملاصدرا در مباحث مهم فلسفی و نیز ادله اصالت وجود از هر دو تصور استفاده نموده است. این در حالی است که ملاصدرا این دو دسته دلائل و نظرات را تفکیک نکرده و همه را اثبات‌کننده اصالت وجود می‌داند گویی که هر دو تصور مورد رضایت ایشان است. ملاصدرا در برخی مباحث مانند اشکال اتصاف ماهیت به وجود با توجه به قاعده فرعیه از هر دو تصور اصالت وجود استفاده نموده و به این اشکال پاسخ داده و این امر باز موید همراهی این دو تصور در حکمت متعالیه است. (همان، ج ۱، ص ۵۵-۵۸؛ همو، ۱۳۶۰۱، ص ۱۱-۱۳؛ همو، بیتا، ص ۱۶۰؛ همو، ۱۳۶۳ ب، ص ۲۵۷) هر دو تصور در کنار هم در آثار ملاصدرا - چه آثار متقدم و چه آثار متأخر - مطرح شده است. اگر هر کدام از دو تصور حذف گردد قسمت اعظمی از فلسفه ملاصدرا بدون اینکه جایگزینی بیابد فرو می‌ریزد. اگر قائل شویم ملاصدرا تصور نهایی خود را گزینش کرده است، پس چرا بسیاری از مسائل فلسفه ایشان بر اساس تصور نهایی بازسازی نشده و دوباره به همان حالت قبل از گزینش در آخرین آثار ملاصدرا نیز مطرح گردیده‌اند؟ واقعیت این است که بحث تقریر محل نزاع در فلسفه ایشان به نحو منسجم و کامل مطرح نشده و بدین خاطر می‌توان با وجود ابهام در اصل صورت مسأله و محل نزاع، قرائنی را بر تأیید هر دو تصور آورد. البته به دلیل تنوع مسائل فلسفی مطرح شده در فلسفه ایشان و مواجهه ملاصدرا با آنها شاید به اقتضای

تفاوت در سبک مسائل فلسفی خود از دو تصور متفاوت استفاده کرده باشد چون برخی از مسائل با توجه به تصور اول قابلیت طرح و بررسی می‌یابند و برخی با توجه به تصور دوم. بنابراین، ملاصدرا در عمل به هر دو نیاز دارد.

با توجه به اینکه در معنای اول، تحقق ماهیت در عالم خارج از ذهن پذیرفته نمی‌گردد و ماهیت محصور در حوزه ذهن می‌شود، و در معنای دوم تحقق بالتبع ماهیت به واسطه وجود در عالم خارج از ذهن پذیرفته می‌شود، پس دو معنای یاد شده غیر قابل جمع‌اند. زیرا در یک معنا نفی ماهیت خارجی و دیگری اثبات ماهیت خارجی – اگر چه به واسطه وجود باشد – را به دنبال دارد با توجه به اینکه هر دو معنای اصالت وجود در عرض هم و غیر قابل جمع‌اند، مسائل و نظریه‌های مبتنی بر دو معنای غیر قابل جمع اصالت وجود، غیر قابل جمع‌اند.

### منابع و مآخذ

۱. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت، دار احیاء التراث.
۲. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (بی‌تا)، *الحاشیة علی الهیات الشفاء*، ۱ جلد، قم، انتشارات بیدار.
۳. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، ۱ جلد، مشهد، المرکز الجامعی للنشر.
۴. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، *المشاعر*، (۱۳۶۳ الف)، کتابخانه طهوری - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۳ ه ش.
۵. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۶۳ ب)، *مفاتیح الغیب*، تهران، موسسه تحقیقات فرهنگی.
۶. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۶۱)، *العرشیة*، تهران، انتشارات مولی.
۷. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۵۴)، *المبدأ و المعاد*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۸. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۷۵)، *مجموعه رسائل فلسفی صدر المتالهین*، تهران، انتشارات حکمت.
۹. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۷۸)، *رساله فی الحدوث*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۰. صدر الدین شیرازی، محمد (ملاصدرا)، (۱۳۸۷)، *سه رسائل فلسفی*، قم، دفتر تبلیغات اسلام.